



دلایل خشن تر شدن جرایم

براساس مکتب شیکاگو در علم جامعه شناسی، مجرمان ترسی از شناخته شدن ندارند و به همین علت است که به راحتی مرتکب جرم می شوند. در روستاها افراد همدیگر و خانواده هم را می شناسند اما در جامعه شهری این طور نیست و هیچ کس از هویت فردی که از کنارش عبور می کند، اطلاع ندارد. در واقع ضعیف شدن حس خود کنترلی در افراد، باعث شده مرتکب جرم شوند و این جرم ها نیز اغلب در شهرهای حاشیه نشین اتفاق می افتد. در هر نقطه ای که تجانس فرهنگی در آن

دکتر امان...
قرایی مقدم

جامعه شناس



دستخوش تغییرات اساسی شود و افراد از یک سنخیت و همگونی فرهنگی برخوردار نباشند، ما شاهد ارتکاب جرم هستیم. مثلاً در یکی از شهرهای اطراف تهران، همه نوع قوم و قبیله ای در آن زندگی می کنند و به همین علت جرم هم در آن بیشتر رخ می دهد. علاوه بر اینها، فشارهای اقتصادی، بیکاری و فساد اخلاقی نیز به این روند دامن می زند. جوانی که صاحب هیچ شغل و درآمدی نیست، چاره ای جز دیدن دیگر شهروندان و خفت کردن مردم ندارد. بر اساس نظریه کورت لوین، نیروهای برانگیزنده به جرم، به نیروهای بازدارنده برتری بیشتری دارد و بر همین اساس، با این که سارق خشن می داند به زودی توسط پلیس دستگیری می شود؛ ولی تحت تاثیر گرسنگی و فقر، تامین معاش خانواده و همچنین نوع خانوادگی که در آن رشد کرده و تربیت شده و لذت پول بادآورده، بازهم مرتکب سرقت و حتی سرقت خشن می شود. این فرد حقوق و درآمد و شغل ثابت می خواهد، ولی وقتی ندارد، سرقت به هر روش ممکن را انتخاب می کند. حتی ممکن است آدم بکشد و اگر هم نکشد، به سمت خودکشی می رود که این روزها موارد بسیاری از خودکشی ها ناشی از مشکلات اقتصادی و خانوادگی گزارش می شود. به قول رابرت مرتن جامعه شناس، این فرد هدف دارد اما به ابزار رسیدن به آن هدف، دسترسی ندارد. اگر چاره ای برای این شرایط بحرانی اقتصاد اندیشیده نشود، شرایط روز به روز بدتر خواهد شد؛ زیرا به گفته پترین جامعه شناس، جهان امروز، جهان مادیات است و مادیات حرف اول را می زند.

در برنامه تربیتی زندان ها، یک بازنگری اساسی و جدی صورت گیرد. همین حضور در زندان نوعی اقدام تامینی است، اما مساله مهم در تکرار نشدن جرم، اجرای برنامه های اصلاحی است که به نظر من باید با محوریت مددکاران اجتماعی، همکاری روان شناسان و در سایه تعامل با خانواده صورت گیرد. ضمن این که در اقدامات اصلاحی، باید به زمینه ها، عوامل تعیین کننده و موثر در وقوع جرم یا رفتار خشونت آمیز توجه ویژه داشت تا بتوان رویکردهای پیشگیرانه شامل پیشگیری قضایی، وضعی یا اجتماعی را در جامعه تقویت کرد. البته معتقدم اولویت اول، باید با پیشگیری اجتماعی باشد و پیشگیری قضایی و انتظامی و وضعی در درجات بعدی اهمیت قرار دارند. بنابراین برنامه های اصلاحی از درون زندان با فرد آغاز شده و این مراقبت ها حتی پس از خروج او از زندان نیز باید تداوم پیدا کند. واقعیت این است که چرخه برنامه های اصلاحی در سازمان زندان ها کامل نیست. ضمن سپاسگزاری از تمام تلاش های انجام شده در این حوزه، به ضرس قاطع اعلام می کنم مددکاری اجتماعی سازمان زندان ها به شدت به بازنگری نیاز دارد، در غیر این صورت اصلاح زیر سایه تامین قرار می گیرد و می توانم بگویم تقریباً آن جایگاه لازم را نخواهد داشت. این روند نیز، نیازمند بازنگری سازمان زندان ها در ساختار خود، بازنگری در جایگاه مددکاری اجتماعی، تقویت نیروی انسانی و تقویت آموزش مددکاران اجتماعی است. محور برنامه های اصلاحی، مددکاران اجتماعی و روان شناسان هستند و معتقدم هنوز در جایگاه مناسب خود قرار نگرفته اند. در حال حاضر وجه غالب برنامه های سازمان زندان ها در مورد تمامی جرایم، از جمله جرایم خشن، برنامه های تامینی است و نه تربیتی. اصلاح این روند نیز مستلزم چرخش در ساختار، برنامه ها و نیروی انسانی است تا اقدامات اصلاحی نقش بازدارندگی خود را در تکرار نشدن جرم به خوبی ایفا کند.

کمک بیشتر و موثرتری را در این حوزه داشته باشد و مواجهه با موارد خشن کمتر خواهد شد.

او سرقت را نوعی خشونت اجتماعی دانست و ادامه داد: «حتی دستگیری و اعمال خشونت نسبت به افراد هم نوعی خشونت است که مردم از آن تاثیر می پذیرند. حال کشور ما از نظر سطح خشونت مطلوب نیست و هیچ کس نمی تواند منکر این موضوع شود. با بررسی شاخص های سلامت و اختلال روان، شاخص های گرایش به مواد مخدر سنتی، صنعتی و مشروبات الکلی، خشونت های خانگی و... به راحتی می توان دریافت جامعه ما شاداب نبوده و خشونت در آن تقریباً در حال نهادینه شدن است و به شکل های مختلف اعمال می شود؛ تا جایی که دامنه این خشونت ها حتی به فضای مجازی نیز کشیده شده است.»

رئیس انجمن مددکاری اجتماعی ایران، به مخاطره افتادن سلامت روان و رفتارهای اجتماعی مردم را نتیجه افزایش خشونت های اجتماعی در جامعه بیان کرد و افزود: «بخشی از این زورگیری ها ناشی از فقر بوده و بخشی دیگر ناشی از قرارگیری در گروه هایی است که با اعمال خشونت و ایجاد رعب و وحشت سعی می کنند مالی را کسب کنند. من فکر می کنم ترس مردم از اعمال خشونت در اماکن عمومی و احساس ناامنی در قبال اموال شان، آثار مخرب ماندگاری در روح و روان و ذهن آنان به جا خواهد گذاشت.»

موسوی چلک در پاسخ به این پرسش که چرا وضع مجازات های سنگین مانند حبس و حتی اعدام نتوانسته مانع خشن تر شدن جرایم شود، گفت: «در بسیاری از مواقع، مجازات ها دربرگیرنده اقدامات تامینی است نه تربیتی، که برای این موضوع باید به چند مولفه توجه داشت. یکی از این مولفه ها زندان ها است. آیا در زندان ها، اقدامات تربیتی متناسب با ویژگی های شخصیتی افرادی که مرتکب خشونت می شوند، وجود دارد یا خیر. پاسخ منفی است و امیدواریم



با اینکه سارق خشن می داند که به زودی توسط پلیس دستگیر می شود، اما تحت تاثیر گرسنگی و فقر، تامین معاش خانواده و همچنین نوع خانوادگی که در آن رشد کرده و تربیت شده و لذت پول بادآورده، بازهم مرتکب سرقت و حتی سرقت خشن می شود

